

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/14

موضوع: اصلی ترین عامل انحراف جامعه، بعد از وفات پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

تقاضای مصرانه از همه جوانان و تحصیل کرده‌های شیعه و سنی!

اصلی ترین عامل انحراف جامعه بعد از وفات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

نقدی بر برخی ادعاهای واهی دکتر سروش!

انحصار «أهل بیت» به خمسه طویه، در منابع معتبر اهل سنت!

تأملی در آیه تطهیر برای یافتن مصداق حقیقی اهلبیت!

تماس بینندگان برنامه

آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) مرتکب ترک اولی می شدند؟

دیدگاه علما و بزرگان شیعه، در باب ولایت تشریحی ائمه اطهار (علیهم السلام)

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهین

عرض سلام و ادب و احترام دارم محضر همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». امیدوارم ان شاءالله در این ماه رجب المرجب در این ماه طاعت و اطاعت الهی تمامی اعمال و حرکات و سکناات ما ان شاءالله مرضی درگاه احدیت قرار گرفته باشد.

ان شاءالله تا همین جای ماه رجب که پیش بردیم، توانسته باشیم مشمول شفاعت اهلبیت قرار گرفته باشیم و نگاه امام زمان (ارواحنا فداه) به ما بوده باشد.

به رسم پنجشنبه شبها این افتخار را داریم تا برنامه «حبل المتین» را تقدیم نگاههای مهربان همه شما بزرگواران و افاضل کنیم. برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم.

ابتدا اجازه می‌خواهم یک سلام و عرض ادبی داشته باشیم و ان شاءالله بعد از آن هم از حسن مطلع فاطمی ایشان بهره مند می‌شویم، سپس به سراغ اصل بحث می‌رویم و پرسش‌هایی که داریم را مطرح خواهیم کرد و مفصلاً بهره مند خواهیم شد.

خدمت حضرتعالی عرض سلام دارم، ان شاءالله که همگی ما توانسته باشیم از فضائل ماه رجب استفاده کرده باشیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلامم را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم و موفقیت همگان را در بدست آوردن رضای خدا و رضای ولیش از خداوند منان خواهانم.

ما طبق رسم و روال برنامه، درب خانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌رویم تا خودمان و برنامه و شبکه و دین و دنیا و آخرتمان را بیمه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کرده باشیم.

کسی که محنت ایام دید من بودم

کسی که قامتش از غم خمید من بودم

کسی که بعد رسول خدا به دامن خاک

مدام اشک ز چشمش چکید من بودم

کسی که با پسرش شد به پیش دیده دوست

ز ظلم و کینه دشمن شهید من بودم

کسی که پشت در نیم سوخته فضا

صدای ناله او را شنید من بودم

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء اُغیثینی

مجری:

احسنتم، ان شاءالله که مشمول شفاعت حضرت صدیقه کبری قرار بگیریم. همانطور که همه شما بینندگان عزیز و ارجمند مطلع هستید، ما در جلسات گذشته بحثی را راجع به خطبه نود و دوم «نهج البلاغه» آغاز کردیم و از محضر حضرت استاد بسیار بهره بردیم.

حضرت استاد! حضرتعالی در این باب و این خطبه مطالب بسیار زیبایی بیان فرمودید و یک دسته بندی انجام دادید. ما این قول را از شما گرفتیم که بتوانیم موشکافانه تک تک این فرازها را از محضر شما بهره مند شویم.

هفت فراز مطرح شد در این خصوص که چرا حضرت امیرالمؤمنین در ابتدا از قبول رهبری جامعه استنکاف کردند. در آن زمان افراد میخواستند از امیرالمؤمنین بخواهند که امر حکومت را به دست بگیرند و حضرت یک استنکافی انجام دادند و جملاتی فرموده بودند. ما به این فراز رسیدیم که حضرت میفرماید:

«وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَرَتْ»

ابره‌ای تیره و تار افق‌ها را پوشانیده و راه مستقیم حق در این فضای ظلمانی ناشناخته است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 136، خ 92

حضرت اشاره می‌فرماید که ابره‌ای تیره و تار تمام جامعه را فراگرفته و راه مستقیم خدشه دار شده است. ان شاءالله مختصری در این خصوص توضیح بفرمایید تا به فرازهای بعد هم برسیم.

تقاضای مصرانه از همه جوانان و تحصیل کرده‌های شیعه و سنی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمدلله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یا أبا صالح المهدی ادرکنی یا فاطمة الزهراء اُغیثینی

ما در جلسه گذشته عرض کردیم «نهج البلاغه» خطبه‌هایی که در رابطه با امامت امیرالمؤمنین مطرح می‌کند دو دسته است.

امیرالمؤمنین در یک دسته از خطبه‌ها شایستگی خودش را برای خلافت مطرح می‌کند، صرفنظر از اینکه امام منصوب از طرف نبی گرامی اسلام است. این خطبه‌ها یک دسته مستقلی هستند.

امیرالمؤمنین در دسته دیگر از خطبه‌ها هم به صراحت می‌فرماید که امامت و خلافت ما الهی است. خداوند عالم این خلافت و امامت را برای ما معین فرموده و نبی گرامی اسلام بیان فرموده است.

نکته‌ای که حائز اهمیت است، این است که ما نباید خطبه‌های «نهج البلاغه» را فارغ از دیگر سخنان امیرالمؤمنین در نظر بگیریم.

«مرحوم سید رضی» در کتاب «نهج البلاغه» خطبه‌هایی که جنبه فصاحت و بلاغت داشته را آورده است، نه تمام سخنرانی‌ها و احادیث حضرت را!

ما از قول یکی از اساتید بزرگوار نجف، جناب آیت الله غروی (رضوان الله تعالی علیه) عرض کردیم که می‌فرمودند: زمانی که ما در نجف بودیم، چهل هزار روایت از امیرالمؤمنین در کتب شیعه و سنی جمع آوری کردیم.

متأسفانه صدام در قضایای قبل از جنگ تحمیلی تمامی شیعیان و علما را از نجف بیرون کرد و این آثار علمی را از بین برد.

امیرالمؤمنین در خطبه 92 و خطبه‌های دیگر که استنکاف می‌کنند، به این معنا نیست که حضرت خود را امام منصوب الهی نمی‌داند و امامتش را امامت الهی نمی‌داند.

یک جنبه و یک روی سکه امامت الهی این است که خداوند عالم آن بزرگوار را نصب کرده است. روی دیگر سکه قبول مردم است. قبول مردم برای امامت مشروعیت نمی‌دهد، بلکه تحقق و پیاده کردن آن امامت الهی را در جامعه فراهم می‌کند.

رسول گرامی اسلام پیامبر الهی است، مردم مکه بخواهند یا نخواهند. در مقابل به جهت اینکه زمینه نیست و مردم پذیرای حکومت اسلامی نیستند، پیغمبر اکرم سیزده سال در مکه با غربت زندگی کردند. در مقابل زمانی که به مدینه آمدند، مردم اعلان کردند ما آماده و پذیرای تحقق ولایت نبوی هستیم. بنابراین حضرت حکومت اسلامی تشکیل دادند، بخشنامه‌ها صادر کردند، قضاتی معین کردند، فرمانداران و استاندارانی معین کردند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام آنچه که شایسته یک حکومت سیاسی هست را انجام دادند.

اینها نکاتی است که عزیزان باید به آن دقت کنند. فرمایش امیرالمؤمنین که فرمودند: «وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَ الْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ»، در حقیقت دو فراز است. یک فراز اینکه ابرهای تیره و تار افق‌های جامعه را پوشانده و نورانیت اسلامی از بین رفته است.

ما اشاره کردیم که آقای «ذهبی» در کتاب «تذکرة الحفاظ» جلد اول صفحه پنجم نقل می‌کند که خلیفه اول به دخترشان عایشه دستور می‌دهد احادیثی که از پیغمبر اکرم دست ما هست را بیاور. وقتی عایشه احادیث را می‌آورد، همه را آتش می‌زند!!

«ابن عبدالبر» در کتاب «جامع بیان العلم» صفحه 65 می‌نویسد که خلیفه دوم به تمام شهرها نامه نوشت که هرکسی روایت یا حدیثی از پیغمبر اکرم دارد، بیاورد. وقتی احادیث را آوردند، خلیفه دوم همه احادیث را آتش زد و نابود کرد. در روایت آمده است:

«أن الصديق جمع الناس بعد وفاة نبيهم فقال إنكم تحدثون عن رسول الله أحاديث تختلفون فيها»

ابوبکر بعد از وفات پیغمبر اکرم مردم را جمع کرد و گفت: شما روایاتی از رسول الله نقل می‌کنید و با همدیگر اختلاف دارید.

بنده روی این قضیه باید توضیحی بدهم. بنده تصور می‌کنم حق مطلب برای همگان روشن است. ابوبکر می‌گوید شما یک سری احادیثی نقل می‌کنید که با همدیگر اختلاف دارید.

«والناس بعدكم أشد اختلافاً»

و بعد از شما هم اختلافات مردم بیشتر خواهد شد.

تذکرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 2 - 3، ح 1

بنده عرض کردم اختلافی که مردم داشتند، در خصوص وضو و غسل و این مسائل نبود. عمدتاً اختلاف در رابطه با احادیث مربوط به خلافت و امامت امیرالمؤمنین و امثال ذلک بود.

اگر کسی با روح روایات آشنایی داشته باشد و این جملات را تجزیه و تحلیل کند، کاملاً روشن است که اختلاف مربوط به کجا هست.

در آن زمان رسول گرامی اسلام تازه از دنیا رفته بود و مردم نه در نماز اختلاف دارند و در وضو و سایر اصول دین اختلاف دارند. اختلافات همگی بعداً ایجاد شد.

وقتی احادیث مربوط به خلافت و ولایت امیرالمؤمنین کنار رفت و اهل بیت در زاویه قرار گرفتند و عدل قرآن کریم در جامعه نیست، عمدتاً احادیث یا فراموش شده و یا هرکسی به دلخواه خود مسئله‌ای را مطرح می‌کند.

با این مسائل بعدی که پیش می‌آید، سنت پیغمبر اکرم به فراموشی سپرده می‌شود. ما راه دوری نرفتیم و روایاتی از کتاب «صحیح بخاری» آوردیم.

در این کتاب روایتی از قول «أنس بن مالک» خادم رسول گرامی نقل شده است. «أنس» گریه می‌کند و وقتی اطرافیان علت گریه او را می‌پرسند، می‌گوید:

«ما أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا كَانَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ»

با روی کار آمدن خلفا چیزی که در زمان پیغمبر اکرم از اسلام بود را نمی‌شناسم.

«قِيلَ الصَّلَاةُ»

راوی گفت: مردم نماز می‌خوانند.

«قَالَ أَلَيْسَ ضَيَعْتُمْ مَا ضَيَعْتُمْ فِيهَا»

أنس گفت: آیا در نماز امور زیادی را تزییع نکردید؟!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 197، ح 506

این‌ها یک سری اتفاقاتی است که در جامعه افتاد. کار به جایی رسید که صحابه در بصره می‌گویند:

«صلى مع عَلَى رضى الله عنه بِالْبَصْرَةِ فَقَالَ ذَكَرْنَا هَذَا الرَّجُلُ صَلَاةً كُنَّا نُصَلِّيهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»

ما در جنگ جمل پشت سر علی بن ابی طالب نماز خواندیم و این نماز ما را به یاد نماز پیغمبر اکرم انداخت.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 271، ح 751

این خلاصه بحثی بود که ما در جلسه گذشته مطرح کردیم. سنت پیغمبر اکرم فراموش شد، بلکه در بسیاری از موارد هم سنت رسول گرامی اسلام تحریف شد. در کتب اهل سنت آمده است:

«أن الحسين قتل بسيف جده صلى الله تعالى عليه وسلم»

امام حسین را با شمشیر جدش رسول گرامی اسلام کشتند.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 26، ص 73، باب محمد: (23) أولئك الذين لعنهم... ..

این نه بدان معناست که شمشیر پیغمبر اکرم را برداشتند و امام حسین را با آن شمشیر کشتند، بلکه بدان معناست که روایاتی برای حکومت‌های باطل همانند حکومت معاویه و یزید و امثال آنها جعل کردند. در روایات جعلی آمده بود که این امام هست و هرکسی در برابر این امام بایستد، پیغمبر اکرم فرمودند که او را بکشید هرکسی که باشد.

این افراد از رسول اکرم احادیثی جعل کرده بودند، درست کرده بودند و به نام پیغمبر اکرم منتشر کرده بودند، با همان احادیث امام حسین را کشتند و به شهادت رساندند. مفتیان هم فتوا دادند:

«الحسين خرج على إمام زمانه ويجب أن يقتل»

الحقیقة الضائعة، نویسنده: الشیخ معتصم سید احمد، ص 287، ح 2

بنابراین اینها مسائلی است که در صدر اسلام ایجاد شد. ما از همه جوانان و عزیزان و تحصیل کرده‌ها اعم از شیعه و اهل سنت تقاضای مصرانه می‌کنیم که حداقل تاریخ صدر اسلام را خوب مطالعه کنند. ما تقاضا می‌کنیم عزیزان خوب بررسی و تحلیل کنند.

بنده معتقدم اگر کسی بدون تعصب این پنجاه شصت سال صدر اسلام را خوب تجزیه و تحلیل کند، بسیاری از مسائل برای او روشن می‌شود و بسیاری از اختلافاتی که امروزه میان شیعه و سنی و وهابیت و مسلمان هست همگی روشن خواهد شد.

مشکل ما تنها این است که ما یک سری ذهنیاتی درست کرده‌ایم و هرآنچه در تاریخ می‌خوانیم و در روایات مشاهده می‌کنیم، اگر برخلاف ذهنیات ما باشد آن را کنار می‌گذاریم؛ خواه حق باشد یا حق نباشد.

این راه و روش نگاه منصفانه به تاریخ و احادیث رسول گرامی اسلام و سنت نبوی نیست. ما در خدمت شما هستیم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی استفاده کردیم. نکته‌ای که برای بنده و قطعاً همه بینندگان عزیز جای سؤال دارد، این است که بالاخره این جامعه رسول الله و جامعه نبوی بود.

قدری عجیب است که به این سمت و سو برود که امیرالمؤمنین بخواهند چنین جملاتی بفرماید. قطعاً چنین وضعیتی به وجود آمده است.

حال اگر بخواهیم بعد این قضیه را در ذهنمان کمتر کنیم، می‌خواهیم ببینیم چه علل و عواملی سبب شد که جامعه به این سمت کشیده شود و از مسیر اصلی خودش منحرف شود؟!

اصلی ترین عامل انحراف جامعه بعد از وفات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال بسیار خوب و نکته ظریفی است. اگر ما روایاتی که از رسول گرامی اسلام آمده است خوب مطالعه کنیم، به حقیقت می‌رسیم. ما اصلاً کاری با کتب شیعه نداریم، بلکه همان روایاتی که در کتب اهل سنت هست را مطالعه می‌کنیم.

رسول گرامی اسلام تمام این قضایا را پیش بینی کرده بودند و راهکار نیفتادن در این ضلالت و منجلاب و گمراهی را هم معین کرده بودند. متأسفانه بعد از وفات رسول گرامی اسلام سخنان پیغمبر اکرم مورد توجه قرار نگرفت.

آقای «ترمذی» متوفای 279 هجری در کتاب «جامع ترمذی» خود حدیث 3786 مطلبی در این زمینه آورده است و آقای «البانی» هم صحت روایت را تأیید کرده است. بنده تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. پیغمبر اکرم در عرفه فرمود:

«يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي أهل

بیتی»

ای مردم! من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر به آنها تمسک کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.

کلمه «لن» دلالت بر نفی ابد می‌کند.

«کتاب الله وعترتی أهل بیتی»

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 662، ح 3786

این روایت در عرفه حجة الوداع مطرح شده است، یعنی هفتاد روز قبل از رحلت نبی گرامی اسلام. بازهم در حدیث 3788 آمده است که رسول خدا در منطقه غدیر خم می‌فرماید:

«إني تارك فيكم ما إن تمسكنم به لن تضلوا بعدي»

رسول اکرم فرمودند: من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر به دستورات آنها عمل کنید، هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید.

مشاهده کنید در اینجا کلمه «بعدي» آمده است. پیام این روایت این است که اگر به دستورات آنها عمل نکردید، دچار گمراهی می‌شوید.

«أحدهما أعظم من الآخر»

یکی از آنها از دیگری بزرگتر هست.

«کتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتی أهل بیتی»

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

این دو هرگز از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض به من ملحق شوند.

«فانظروا كيف تخلفوني فيهما»

ببینید نسبت به این دو یادگار من چه برخوردی خواهید کرد.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 663، ح 3788

حضرت به صراحت فرمودند که ببینید چگونه با کتاب خدا و اهلبیت من رفتار خواهید کرد!! از این واضح تر و روشن تر؟!!!

آقای «ألبانی» هم در کتاب «الأحاديث الصحيحة» جلد چهارم صفحه 355 همین عبارت را می آورد و می نویسد که پیغمبر اکرم در غدیر خم فرمود:

«يا أيها الناس! إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا»

ای مردم! من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر به دستورات آنها عمل کنید، هرگز گمراه نمی شوید.

«كتاب الله وعترتي أهل بيتي»

کتاب خدا و عترت و اهلبیت من.

سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 4، ص 355، ح 1761

ایشان در ادامه می نویسد که این روایت صحیح است. «ابن عباس» این روایت را آورده است. «حاکم نیشابوری» و «ذهبی» گفتند که این روایت صحیح است و من هم می گویم روایت صحیح است!

نبی گرامی اسلام به چه زبانی حرف بزند؟! «ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «تفسیر القرآن العظیم» جلد چهارم صفحه 122 ذیل آیه شریفه:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

سوره شوری (42): آیه 23

می نویسد:

«وقد ثبت في الصحيح أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في خطبته بغدير خم إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي وإنهما لم يفترقا حتى يردا على الحوض»

در روایت صحیح ثابت شده است که پیغمبر اکرم در خطبه غدیر خم فرمود: در میان دو چیز به امانت می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترت من. آن‌ها از همدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر نزد من آیند.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1401؛ ج4، ص 114

ایشان در ادامه، تعبیر «ترمذی» را می‌آورد و می‌نویسد:

«إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي»

من در میان شما دو چیز به امانت می‌گذارم که اگر به آنها تمسک کردید، هرگز گمراه نمی‌شوید.

«أحدهما أعظم من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض والآخر عترتي أهل بيتي ولن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1401؛ ج4، ص 114

این روایات نشانگر این است که این مسائل کاملاً واضح و روشن است. آقای «ابن حجر هیتمی» متوفای 974 هجری در کتاب «الصواعق المحرقة» که آن را در رد شیعه نوشته است، می‌نویسد:

«وفى رواية صحيحة إني تارك فيكم أمرين لن تضلوا إن تبعتموهما»

در روایت صحیح آمده است که پیغمبر اکرم فرمود: من در میان شما دو چیز به امانت می‌گذارم و اگر از آنها تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید.

«وهما كتاب الله وأهل بيتي عترتي»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيتمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 439، الفصل الأول في الآيات الواردة فيهم

معنای تبعیت این است که به حرف آنها گوش کنید. ما اصلاً کاری نداریم که عترت شامل چه کسانی می‌شود و در خصوص آن بحث خواهیم کرد.

حال سؤال اینجاست که آیا امیرالمؤمنین جزو عترت هست یا خیر؟! آیا حضرت صدیقه طاهره جزو عترت هستند یا خیر؟! آیا امام حسن و امام حسین جزو عترت هستند یا خیر؟!!

آیا جامعه بعد از رسول گرامی اسلام به حرف عترت اهل بیت گوش دادند؟! آیا جامعه به سخنان اهل بیت رسول گرامی اسلام توجه کردند؟!!

ملاحظه کنید «صحیح بخاری» از حضرت صدیقه طاهره تنها یک روایت آورده است. این درد را انسان کجا ببرد؟! «صحیح بخاری» از امیرالمؤمنین تنها بیست و نه روایت آورده است، اما در کنار آن از «ابوهریره» چهارصد و چهل و اندی روایت آورده است.

«ابن تیمیه» می‌نویسد و افتخار می‌کند که بعد از رسول گرامی اسلام صحابه و تابعین به حرف و احادیث علی بن ابی طالب توجه نکردند و کتب «مروزی» یک روایت هم از علی بن ابی طالب نقل نکرده است. ایشان این مطالب را با افتخار نقل می‌کند.

مجری:

وقتی که شرط هدایت پذیری عترت و اهل بیت باشند، با توجه به فرمایش حضرتعالی این ابرهای ظلمانی می‌آیند. وقتی اهل بیت رها شدند، به این معناست که شرط هدایت پذیری انجام نشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جالب اینجاست که «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 162 روایتی آورده که صحت روایت را تأیید می‌کند. ایشان می‌نویسد:

«وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ»

اهل بیت من مایه امنیت جامعه از اختلاف و درگیری هستند.

«فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ اخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نُعیم بن الحکم الضبی الطهمانی النیسابوری المعروف بابن البیع (المتوفی: 405 هـ)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، ج 3، ص 162، ح 4715

این فرمایش رسول اکرم به این معناست که اهل بیت امت را از هرگونه اختلاف بیمه می‌کند. این کتاب «کافی» و «بحارالانوار» نیست، بلکه کتاب «مستدرک علی الصحیحین» است.

طبق این روایت آنچه جامعه را از اختلاف بیمه می‌کند و وحدت ایجاد می‌کند، اهل بیت من است.

نقدی بر برخی ادعاهای واهی دکتر سروش!

بنده واقعاً از بعضی افراد تأسف می‌خورم و شاید در جلسات بعد هم به آن پردازیم. امثال آقای «سروش» که منکر وحی و اسلام است، جدیداً در کلیپی می‌گوید: "ما ایرانی‌ها شیعه غالی هستیم. «زیارت جامعه کبیره» مملو از غلو است. در صدر اسلام اختلاف نبود و اختلافات بعد از صفوی‌ها ایجاد شد!!"

تو که اصلاً اسلام را قبول نداری و منکر وحی هستی و معتقد هستی که «مثنوی» اثر «مولانا» از قرآن کریم بهتر است، چرا باید بیایی در این کارها دخالت کنی؟!

این همانند این است که «ابولهب» و «ابوجهل» بگویند که چرا پیغمبر اکرم فرموده است نماز صبح را دو رکعت بخوانند. انسان‌ها صبح خسته هستند و یک رکعت هم کفایت می‌کند. همچنین بگویند که چرا پیغمبر اکرم احکام زکات را اینطور برشمرده است!!

حرف آقای «سروش» دقیقاً همانند این است که «ابولهب» و «ابوجهل» که اصلاً ارتباطی به اسلام ندارند و اسلام را قبول ندارند، بیایند و بخواهند در فروع اسلام اظهار نظر کنند.

این افراد با قرآن کریم مبارزه کردند، با اسلام مبارزه کردند، رسول گرامی اسلام را زیر سؤال بردند و اخیراً به این فکر افتادند که بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند و این آتش را روشن کنند.

در نتیجه این افراد ادعا می‌کنند که امام صادق (علیه السلام) نوه ابوبکر است. آیا امکان دارد که یک نفر جدش را مورد لعن و سب قرار دهد؟! این افراد همچنین ادعا می‌کنند که ما شیعیان معتقد به تحریف قرآن کریم هستیم!!

اصلاً به تو چه مربوط است!! اصلاً تو چکاره هستی که می‌خواهی در این زمینه اظهار نظر کنی؟!

جناب آقای «ابوالقاسمی» چندین جلسه در رابطه با کفریات ایشان بحث‌های بسیار خوبی داشتند، به طوری که کلیپ‌های «دکتر سروش» را پخش کردند و پاسخ دادند.

این شخص یا بی سواد است و یا معاند هست. البته حق هم همین است و این شخص عناد دارد.

«شیخ مفید» متوفای 413 هجری است و منکر تحریف قرآن کریم است. همچنین «سید مرتضی» متوفای 436 هجری است و منکر تحریف قرآن است. «شیخ طوسی» در کتاب «تبیان» منکر تحریف قرآن کریم است.

آدم در بحث‌هایی که این آقایان مطرح می‌کنند معطل می‌ماند. ما نمی‌دانیم این افراد چقدر از آمریکا و اسرائیل پول گرفتند تا اینطور شعله‌های اختلاف میان شیعه و سنی را شعله ور کنند.

ما نمی‌دانیم آقایانی که این کلیپ‌ها را منتشر می‌کنند، دنبال چه هستند. «حاکم نیشابوری» متوفای 405 هجری است. ایشان می‌گوید پیغمبر اکرم فرمود: آنچه مایه وحدت است و اختلاف را در جامعه اسلامی کنار می‌زند، اهل بیت من هستند.

«فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ اخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ»

وقتی مردم با اهل بیت من مخالفت کنند، به حزب ابلیس متصل می‌شوند.

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعيم بن الحكم الضبی الطهمانی النیسابوری المعروف بابن البیع (المتوفی: 405 هـ)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، ج 3، ص 162، ح 4715

آیا پیغمبر اکرم بهتر و واضح‌تر و روشن‌تر از این بفرمایند؟! رسول گرامی اسلام به چه زبانی بفرماید که این انسان زبان نفهم نتواند با صحبت‌هایش شعله‌های آتش را فروزان‌تر کند و به اختلاف شیعه و سنی دامن بزند؟!

«دکتر سروش» در جای دیگر می‌گوید: بعضی از فقها گفتند که سب و لعن نکنید، اما خیلی دیر گفتند!!

مشخص است که این شخص مأموریت دارد عداوت شیعه و سنی را نسبت به یکدیگر را بیشتر کند و صفا و صمیمیتی که بین شیعه و اهل سنت هست را به اختلاف و دشمنی و عداوت مبدل کند. این قضایا کاملاً مشخص و روشن است.

مجری:

اگر اجازه بدهید فاصله‌ای بگیریم، اما بنده حتماً این سؤال را از حضرتعالی بپرسم که بالاخره هم در روایتی که از «حاکم نیشابوری» نقل شد که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ»

و اگر به اهل بیت تمسک نکنید، مسلماً دچار گمراهی می‌شوید و واضح‌تر از آن در حدیث ثقلین و دیگر احادیث تماماً لفظ «أَهْلُ بَيْتٍ» آمده است.

اینطور که شبکه‌های وهابی بارها می‌گویند و بینندگان هم شاهد هستند، این افراد اعا می‌کنند که ما هم لفظ کلمه «أَهْلُ بَيْتٍ» را قبول داریم و معتقدیم که باید از عترت تبعیت شود.

این افراد در ادامه می‌گویند منظور از «أَهْلُ بَيْتٍ»، اهل‌بیتی نیست که شما شیعیان بدان معتقدید بلکه منظور زنان پیغمبر اکرم و تمام منسوبین ایشان است.

بنده حتماً این سؤال را از حضرتعالی می‌پرسم، بعد از اینکه یک فاصله‌ای گرفتیم. یک میان برنامه‌ای بینیم و بعد از آن پیگیر باشید تا پاسخ را از حضرت استاد جویا شویم.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». تا اینجا برنامه بسیار بهره مند شدیم و از فرمایشات حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی استفاده کردیم.

بحث ما از مسائلی شروع شد که در صدر اسلام اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین در خطبه نود و دوم «نهج البلاغه» به آن اشاره فرمودند.

حضرت به صراحت فرمودند وضعیتی که به وجود آمده بود، وضعیت عادی نبود و وضعیتی نبود که قرار است به سرانجامی برسد بلکه ابرهای تیره و تاریک همه جا را فراگرفته بود، مسیر حق منحرف شده بود و مردم به سادگی نمی‌توانستند حق را پیدا کنند.

ما به اینجا رسیدیم و پرسیدیم چه عاملی سبب شد که این چنین جوی به وجود بیاید. این مسائل در کتب شیعه فراوان وجود دارد.

در کتب اهل سنت علی رغم آن چیزی که شاید تصور بسیاری از ما باشد، به صراحت اشاره شده بود اختلافی که به وجود آمده است، تماماً نتیجه این است که امت رسول الله به اهل بیت تمسک نکردند.

این مسئله در روز عرفه، روز غدیر خم، در تعبیر حدیث ثقلین و تعبیرهای دیگر بیان شده بود. حضرت استاد روایتی از کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» بیان فرمودند.

در تمامی این روایات بیان شده بود که اگر اهل بیت ترک شوند، مسلماً همراه آن ضلالت و گمراهی خواهد بود.

ما از حضرت استاد پرسیدیم چه بسا ادعایی که وهابیت بیان می‌کنند درست باشد. وهابیت بر این عقیده هستند که ما از اهل بیت جدا نشدیم، اما اهل بیت کسانی نیستند که شیعه می‌گوید.

منظور این افراد این است که مراد از اهل بیت، زنان رسول الله و تمامی منسوبین پیغمبر اکرم است.

ما طبق روال برنامه نمی‌خواهیم پاسخ را از کتب شیعه بشنویم. ما می‌خواهیم ببینیم نظر صحابه نسبت به اهل بیت چه بوده و این اهل بیت چه کسانی هستند.

انحصار «اهل بیت» به خمسه طیه، در منابع معتبر اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده قبل از آنکه سؤال حضرتعالی را پاسخ بدهم، مطلبی بیان کنم. اخیراً از سوی بیت مقام معظم رهبری کتابی به نام «تعاملات» چاپ شده است که کلیه سخنرانی‌های ایشان را در آنجا آورده‌اند.

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌هایی که در تاریخ 1376/05/01 هست، می‌فرماید: "از جمله عواملی که می‌تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه مسلمین می‌توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل بیت پیغمبر اکرم است.

مسلمین باید در عمل به کلمات ائمه اطهار (علیهم السلام) و اهل بیت پیغمبر اکرم اتفاق کلمه کنند و این یکی از وسائل وحدت است.

دستگاه خلافت بنی عباس و مقداری هم بنی امیه طوری ترتیب دادند که معارف اهل بیت را از ذهنیت دنیای اسلام بیرون کنند. بنابراین روایت آنان کم نقل شده است."

این نکته بسیار ظریفی بود. بعضی آقایان مقید هستند که فرمایشات مقام معظم رهبری را هم داشته باشند.

مجری:

این نکته قابل توجه افرادی که خود را انقلابی‌تر از رهبر انقلاب می‌دانند. این افراد بفهمند و مشاهده کنند که رهبر انقلاب عامل وحدت را فهمیدن اهل‌بیت و پیروی از اهل‌بیت می‌دانند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. در خصوص شیعیان بخواهیم یا نخواهیم این فرمایشات مقام معظم رهبری است. در خصوص اهل سنت هم نسبت به اینکه مقام معظم رهبری را اولی الامر می‌دانند، تبعیت از اولی الامر را آقایان واجب می‌دانند.

فرمایشات مقام معظم رهبری باید برای تمامی افراد اعم از شیعه و اهل سنت الگو باشد.

در رابطه با اینکه اهل‌بیت چه کسانی هستند، ما ابتدا به سراغ «صحیح مسلم» می‌رویم که بسیار واضح و روشن است. در حدیث 2424 روایتی از قول عایشه است که می‌گوید:

«خَرَجَ النَّبِيُّ عِدَاةً وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ»

رسول اکرم صبحگاهی بیرون آمد در حالی که پارچه‌ای که از موی بز بافته شده بود به همراه داشت.

«فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ قَالَ»

سپس حسن و حسین و فاطمه و علی آمدند. پیغمبر آنها را زیر عبا قرار داد و فرمود:

«إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّحْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1883، ح 2424

مشاهده کنید غیر از پنج تن آل عبا هیچکسی در زیر کساء نیست. کاملاً مشخص است. زمانی که واژه (إنما) در اینجا می‌آید، قضیه واضح می‌شود. اگر کسی دیگر بود، رسول گرامی اسلام او را در زیر عبا راه می‌داد.

همچنین در کتاب «اربعین» اثر «ابن عساکر» روایتی از قول «ابو سعید خدری» به نقل از «أم سلمه» نقل شده است. «أم سلمه» می‌گوید: این آیه در خانه من نازل شد. پیغمبر اکرم این آیه را خواند.

«قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

«قال إنك إلی خیر إنك من أزواج رسول الله صلى الله عليه و سلم»

پیغمبر اکرم فرمود: تو انسان خوبی هستی. تو از همسران پیغمبر اکرم هستی.

این فرمایش حضرت بدان معناست که اهل بیت مراد در آیه تطهیر و حدیث ثقلین است.

«قالت وأهل البيت رسول الله و علی وفاطمة والحسن والحسين»

پیغمبر اکرم در ادامه فرمودند: اهل بیت رسول الله و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین هستند.

این روایت از قول «ابو سعید خدری» و «أم سلمه» دو تن از صحابه پیغمبر اکرم نقل کردیم. «ابن عساکر» هم در ادامه می نویسد:

«والآیة نزلت خاصة فی هؤلاء المذكورین»

آیه تطهیر مخصوص این پنج نفر نازل شده است.

الأربعین فی مناقب أمهات المؤمنین رحمة الله علیهن أجمعین، المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن محمد بن هبة الله بن عساکر، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة الأولى، 1406، تحقیق: محمد مطیع الحافظ، غزوة بدير، ج 1، ص 105، الحدیث السادس والثلاثون

همچنین «ابو حیان أندلسی» در کتاب «تفسیر بحر المحيط» جلد هفتم صفحه 224 از قول «ابو سعید خدری» می نویسد:

«هو خاص برسول الله وعلی وفاطمة والحسن والحسين»

اهل بیت مخصوص پیغمبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین هست.

«وروی نحوه عن أنس وعائشة وأم سلمة»

مثل این روایت از قول انس و عایشه و أم سلمه نقل شده است.

«وقال الضحاک: هم أهله وأزواجه»

تفسير البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1422 هـ - 2001 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (1) د. زكريا عبد المجيد النوفى (2) د. أحمد النجولى الجمل، ج 7، ص 224، باب الأحزاب: (1) يا أيها النبى... ..

به بیان بهتر چهار تن از صحابه معتقدند که اهلبیت مخصوص این پنج نفر است. «ابو محمد مکى» متوفای 437 هجری در کتاب «الهدایة» جلد نهم صفحه 5834 می نویسد:

«عُنِيَ بأهل البيت هنا النبى صلى الله عليه وسلم وعلى وفاطمة والحسن والحسين عليهما
لسلام، رواه الخدرى. عن النبى صلى الله عليه وسلم أنه قال " نَزَلَتِ الْآيَةُ فِي خَمْسٍ: فِي وَفَى
على وَحَسَنٍ وَحُسَيْنٍ وَفَاطِمَةَ "»

سپس می نویسد:

«وهو قول جماعة من الصحابة»

این گفتار گروهی از صحابه است.

الهداية إلى بلوغ النهاية؛ المؤلف: أبو محمد مكى بن أبى طالب بن مختار القيسى القيروانى ثم الأندلسى القرطبى المالكى (المتوفى: 437 هـ)، المحقق: مجموعة رسائل جامعية بكلية الدراسات العليا والبحث العلمى - جامعة الشارقة، بإشراف أ. د: الشاهد البوشيخي، الناشر: مجموعة بحوث الكتاب والسنة - كلية الشريعة والدراسات الإسلامية - جامعة الشارقة، الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م، ج 9، ص 5834، باب 34

آقای «بغوی» در کتاب «تفسیر» خود که یکی از تفاسیر مورد اعتماد است، جلد سوم صفحه 529 می نویسد:

«وذهب أبو سعيد الخدرى ودماعة من التابعين منهم مجاهد وقتادة وغيرهما إلى انهم على
وفاطمة والحسن والحسين»

تفسیر البغوی، اسم المؤلف: البغوی، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، ج 3، ص 529، باب الأحزاب: (33) وقرن فى بيوتكن... ..

این قضایا بسیار واضح و روشن است. به قول معروف در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.

آقایانی که تمام تلاش خود را به کار برده‌اند که زنان پیغمبر اکرم یا آل ابی طالب را به زور داخل کساء قرار دهند، همانند این است که می‌خواهند عبا را از دست پیغمبر اکرم بگیرند و به زور این افراد را زیر عبا قرار دهند.

خیلی واضح و روشن است که نظر صحابه و جماعتی از صحابه و تابعین بر این عقیده هستند. حال اگر کسی همانند «عکرمه» که خوارج در پناه او بودند و زیر پرچم او بودند، ادعا می‌کند که مراد از اهل بیت زنان پیغمبر هست نمی‌دانیم چه بگوییم!

بنده نمی‌دانم عقل سالم اجازه می‌دهد که قول «أبو سعید خدری»، «عایشه»، «أم سلمه»، «مجاهد»، «قتاده» و دیگران را کنار بگذاریم و بخواهیم قول امثال «عکرمه» را ملاک قرار دهیم یا خیر.

تأملی در آیه تطهیر برای یافتن مصداق حقیقی اهل بیت!

علاوه بر این اگر کسی به روایت هم نگاه نکند و تنها آیه تطهیر را ملاحظه کند، به حقیقت دست پیدا می‌کند. آیه 33 سوره احزاب و چند آیه قبل و بعد آن در خصوص اهل بیت نازل شده است.

نکته اول این است که نسبت به زنان پیغمبر اکرم جمع مؤنث آمده است. قرآن کریم می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَ أَسْرَحَنَّ سَرَاْحًا جَمِيْلًا)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیائید هدیه‌ای به شما دهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم!

سوره احزاب (33): آیه 28

امثال این آیات جمع مؤنث است. حال زمانی که به آیه تطهیر می‌رسد، جمع مذکر می‌شود و می‌فرماید:

(إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

اگر همسران پیغمبر اکرم هم جزو اهل بیت بودند، باید در این آیه شریفه «يطهركن تطهيرا» می‌آمد.

نکته دوم که بسیار حائز اهمیت است، این است که سه آیه قبل از آیه تطهیر و آیه بعد از آیه تطهیر، اصلاً در مقام مذمت زنان پیغمبر اکرم است. لحن آیه لحن تویخ است، اما زمانی که به اهل بیت می‌رسد، لحن آیه لحن امتنان و تفضل و تکریم است.

این مسائل بسیار واضح و روشن است. اگر کسی کوچکترین دقتی در قرآن کریم داشته باشد، به این حقیقت دست پیدا می‌کند.

مجری:

بسیار اشاره زیبایی بود، مخصوصاً الآن که برای ما جا افتاد اگر حتی این آیه در جای دیگری از قرآن کریم بیان شده بود ممکن بود این شبهه برای ما پیش بیاید.

اتفاقاً وقتی در دل همین آیات آمده است، ما متوجه می‌شویم کأن آیه می‌خواهد بفرماید نگاه کنید زنان پیغمبر اکرم جزو اهل بیت نیستند و فکر نکنید که منظور ما زنان رسول گرامی اسلام است!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان مشاهده کنید در سوره مبارکه احزاب آیات قبل از آیه 33 آمده است:

(وَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را طالب هستید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیم آماده ساخته است.

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود عذاب او دو چندان خواهد بود، و این برای خدا آسان است.

(وَ مَنْ يَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند، و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پر ارزشی برای او فراهم ساخته‌ایم.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَفُلَنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید، بنا بر این به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.

(وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّحْنَ تَبَرُّحَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ)

و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را بر پا دارید و زکاة را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید.

این‌ها همگی نشانگر این است که لحن، لحن توبیخ است. در مقابل زمانی که به آیه تطهیر می‌رسد، می‌فرماید:

(إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

مشاهده کنید در آیه بعد هم آمده است:

(وَ اذْكُرْنَ مَا يُنَالِي فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا)

و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت دانش خوانده می‌شود یاد کنید، خداوند لطیف و خبیر است.

سوره احزاب (33): آیات 29 تا 34

در آیه 34 هم صیغه جمع مؤنث به کار رفته است و آیه شریفه می‌فرماید: در خانه‌هایتان بنشینید و ذکر کنید.

نکته سوم این است که اگر قرار بود آیه تطهیر مربوط به زنان باشد، مشاهده کنید وقتی به زنان می‌رسد عبارت **(بُيُوتِكُنَّ)** را به کار می‌برد که جمع می‌آید. این در حالی است که در آیه تطهیر **(أَهْلَ الْبَيْتِ)** آمده است.

قبل از آیه تطهیر هم **(وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)** است. اگر قرار بود این مربوط به زنان پیغمبر اکرم باشد، باید جمع می‌آمد.

در این صورت باید آیه شریفه چنین باشد: «یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیوت و یطهرکن تطهیرا» یا «یطهرکم تطهیرا»!

ما یک مرتبه با یکی از علمای اهل سنت در جمعی در زاهدان بحث داشتیم. ایشان گفت: به دلیل اینکه رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین هم در این آیه شریفه هست، به خاطر این مذكر آمده است.

بنده گفتم: شما از روایات به این حقیقت دست پیدا کردید؟! ایشان گفت: بله. بنده گفتم: همان روایات می‌گوید که مراد این آیه شریفه غیر از پنج نفر کسی دیگر نیست.

اگر قرار است از روایات استفاده کنیم، بنده در ذهن دارم نزدیک به چهل و دو روایت از کتب اهل سنت داریم که علمای اهل سنت به صراحت می‌گویند: مراد از آیه تطهیر رسول اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره و امام حسن و امام حسین است.

اگر به دنبال روایت هستیم، این روایات چنین می‌گوید. اگر به دنبال آیه هستیم، بنده سه دلیل واضح و روشن بیان کردیم. من نمی‌دانم با این توضیحاتی که واقعاً انسان بیان می‌کند، مگر اینکه کسی بگوید من معاند هستم نه به آیه کار دارم نه به روایت!

افراد به ما می‌گویند که قرآن کریم در رابطه با حضرت ابراهیم مطلبی فرموده است. آنجا به ما چه ربطی دارد، شما این آیه را ملاک قرار بدهید!

مجری:

بله. همانطور که خداوند هم به رسول گرامی اسلام فرمودند: تو نمی‌توانی کسی که گوش‌هایش را گرفته و چشمانش را بسته را هدایت کنی، هرچند بخواهی!

بسیار خوب، حضرت استاد خیلی زیبا فرمودید، بسیار استفاده کردیم. چه نکته لطیفی بود. ممکن است مابقی بحث‌ها را جاهای دیگر هم شنیده باشیم، اما حضرت استاد در لابلای مطالب گاهی اوقات کلمات ناب و ظرافت‌های خاصی بیان می‌فرمایند.

بحث «بیت» برای بنده بسیار جذاب بود و دقیقاً کلمه (أَهْلَ الْبَيْتِ) بیتی است که با الف و لام آمده است. قبل از آن بیوتی آمده است که اتفاقاً مضاف الیه آن هم (کَنْ) است که جمیع زنان هستند.

ما بیوتی داریم که برای خودشان خانه‌هایی دارند، اما یک بیت است که محل آیه تطهیر و حدیث ثقلین و شفاعت شیعیان خواهد بود.

حضرت استاد بسیار استفاده کردیم. ان شاءالله یک فاصله بگیریم و بعد از آن برگردیم و به سراغ تماس‌های شما عزیزان و پیام‌هایی که برایمان فرستادید برویم.

یا علی مدد! خیلی تشکر می‌کنم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند که پای برنامه «حبل المتین» نشستید.

الحمدلله توانستیم از این معارف سرشار الهی استفاده کنیم، از نام امیرالمؤمنین و اهل بیت ذکر شد و ان شاءالله معرفتمان به اهل بیت تکمیل شده باشد. قطعاً مابقی سؤالاتی که در این زمینه هست را حتماً از حضرت استاد مطرح خواهیم کرد.

تماس بینندگان برنامه:

در زمان آخر فرصت شما عزیزان هست. ان شاءالله تماس‌های شما عزیزان را پاسخ خواهیم داد و پیام‌هایی که برای ما فرستادید.

عزیزان پیام متنی فرستادند، اما اگر اجازه بدهید به سراغ تماس‌ها برویم و بعد از آن اگر فرصت شد سؤالات متنی را هم بیان خواهیم کرد. آقا محمدرضا از لاهیجان پشت خط هستند. آقا محمدرضا در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا محمدرضا از لاهیجان - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت حاج آقای قزوینی عزیز و آقای مرعشی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

آقای قزوینی دو سؤال از محضرتان داشتم. سؤال اول اینکه می‌خواستم بدانم آیا اهل بیت (علیهم السلام) ترک اولی هم انجام دادند یا خیر.

سؤال دوم در رابطه با ولایت تشریحی است. معنای ولایت تشریحی چه چیزی هست. بنده می‌خواستم بدانم آیا از منظر عقیده شیعه چه کسی می‌تواند متصدی ولایت تشریحی باشد. ببخشید از اینکه وقت شما را گرفتم. یا علی مدد، خدانگهدار

مجری:

سلامت باشید، یا علی مدد. آقا محمد رضا خیلی تشکر می‌کنیم از شما که از لاهیجان همراه ما بودید. جناب آقای بهادری برادر عزیز و ارجمند و فاضلمان پشت خط هستند. آقای برادری در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی دو سید بزرگوار.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

آقا سید همینطور که جنابعالی هم فرمودید، ما دو بیت داریم. یکی بیت سکن هست و دیگری بیت نسب. بیت سکن به معنای خانه یا منزل است، اما بیت نسب به معنای خاندان است.

حال سؤال اینجاست آیا بینی که در این آیه شریفه آمده است، بیت نسب هست یا بیت سکن؟! اگر بیت سکن باشد، پیغمبر اکرم یک بیت نداشتند بلکه نه بیت داشتند. بنابراین در آیه شریفه بیت سکن می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤَدَّ لَكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود.

سوره احزاب (33): آیه 53

پیغمبر اکرم چند همسر داشتند، اما از نظر نسب یک بیت داشتند. در این آیه منظور بیت می‌باشد، نه بیوت. در روایات فراوان داریم که رسول خدا جایگاه اهلیتشان را بسیار بالا بردند و در عرض قرآن قرار دادند. یکی از این موارد حدیث ثقلین است که می‌فرماید:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ولن يتفرقا حتی یردا علی الحوض»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمین - القاهرة - 1415، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، ج 4، ص 33، ح 3542

در کتب «صحیح مسلم»، «سنن ترمذی»، «مسند احمد بن حنبل» و بیش از دویست کتاب دیگر حدیث ثقلین آمده است. پیغمبر اکرم اهل بیت خود را در عرض قرآن کریم قرار داده است.

حضرت فرموده‌اند که من از دنیا می‌روم و جای خودم دو چیز گران بها به امانت می‌گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیتم.

وقتی پیغمبر اکرم می‌فرماید که اهل بیت من در عرض قرآن کریم هستند، این اهل بیت چه کسانی هستند؟! همان افرادی که در خانه پیغمبر اکرم بودند؟! آیا مراد اهل بیت سکن هستند؟! خیر!!

بعضی از همسران رسول گرامی اسلام در مورد حضرت نفاق داشتند که در سوره مبارکه تحریم آیه 4 شرح حال آنها آمده است.

من این روایت را هم دیدم که «ابن عباس» می‌گوید: من ظرف آب جناب خلیفه دوم را بردم، زیرا ایشان می‌خواست وضو بگیرد.

من از او پرسیدم: یا امیرالمؤمنین! آیه تطهیر در مورد چه کسانی آمده است؟! عمر بن خطاب گفت: معلوم است، در مورد حفصه دختر من و در مورد عایشه دختر ابوبکر.

بنده دیدم در کتاب «الکشف و البیان» اثر «ثعلبی» جلد 8 صفحه 43 روایتی از قول «بنی حرث» نقل شده است. ایشان از پسرعمویش «مجمع» روایت نقل می‌کند و می‌گوید: من با مادرم نزد عایشه رفته بودم و از عایشه در مورد جنگ جمل پرسیدم.

عایشه گفت: تقدیر چنین بود. مادرم از عایشه پرسید: نظر شما راجع به علی بن ابی طالب چگونه است؟! عایشه گفت: علی بن ابی طالب نزد پیغمبر اکرم از همه اصحاب محبوب تر بود. مادرم از خصوص حضرت فاطمه زهرا پرسید. عایشه گفت:

«لقد رأیت علیا وفاطمة وحسنا وحمینا جمع رسول الله صلی الله علیه و آله بثوب علیهم»

من با چشم خود دیدم که پیغمبر اکرم علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین را زیر کساء جمع کردند.

عایشه مکان را بیان نکرده است، اما این اتفاق یا در منزل عایشه و یا در منزل أم سلمه افتاده است.

«ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَامَتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

سپس می نویسد:

«قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا مِنْ أَهْلِكَ؟»

عایشه می گوید که من گفتم: یا رسول الله! آیا من هم اهل بیت شما هستم؟

«قَالَ: تَنَحَّى فَإِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ»

الكشف والبيان عن تفسير القرآن، المؤلف: أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو إسحاق (المتوفى: 427 هـ)، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظير الساعدي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى 1422، هـ - 2002 م، ج 8، ص 43، باب سورة الأحزاب (33): آية 33

همچنین آقای «جوینی» در کتاب «فرائد السمطين» جلد اول صفحه 368 و «ابن کثیر» در کتاب «تفسیر» خود جلد 3 صفحه 453 این روایت را از عایشه نقل کرده است.

این روایت در جای دیگر از قول «زینب بنت جحش» آمده که از همسران خوب پیغمبر اکرم بوده است. ایشان هم می گوید: یا رسول الله! اجازه می دهید من هم داخل کساء بیایم؟! حضرت فرمودند: تو انسان خوبی هستی، اما سر جایت بایست!

این روایت را «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» جلد 6 صفحه 304 و آقای «جوینی» در کتاب «فرائد السمطين» جلد 2 صفحه 19 و آقای «حسکانی» در کتاب «شواهد التنزیل» جلد 2 صفحه 53 نقل کرده است.

بنابراین معلوم می شود این قول تنها در خصوص «أم سلمه» نیامده است بلکه این داستان بارها اتفاق افتاده است. حال شاید سیاست های پیغمبر اکرم بوده است.

«زید بن أرقم» می‌گوید: به خدا سوگند زنان پیغمبر اکرم جزو اهل بیت نیستند. ایشان سپس دلیل می‌آورد و می‌نویسد: بسیار اتفاق افتاده است که یک خانم با مردی یک عمر زندگی کرده است، اما بعد از هم جدا می‌شوند.

اهلیت پیغمبر اکرم کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است. عبارت «اهلیت» تنها در خصوص پنج تن صدق می‌کند، نه خانواده.

این عبارت در کتاب «تفسیر ابن کثیر» جلد 3 صفحه 454 نقل شده است. بیشتر علمای اهل سنت بر این باور هستند که ذیل تفسیر آیه مباحله اهل بیت پیغمبر اکرم شامل این چهار نفر هست و همسران داخل کساء نمی‌شوند. در آیه مباحله می‌فرماید:

(وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ)

ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را.

سوره آل عمران (3): آیه 61

اما در مورد همسران جمع بسته شده است. این عبارت را آقای «ترمذی» در کتاب «سنن» جلد 5 صفحه 224 و آقای «سمهودی» در کتاب «جواهر العقدین» صفحه 204 آورده است.

آیه مباحله در خصوص پنج تن آل کساء است که در سوره مبارکه احزاب آیه 33 آمده است. «زمخشری» در کتاب «الکشاف» جلد اول صفحه 370 در ذیل آیه مباحله گفته است: ما هیچ دلیلی بر فضیلت اصحاب کساء بالاتر از آیه تطهیر نداریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت، جزاکم الله خیرا آقای بهادری عزیز.

مجری:

احسنت، ماشاءالله. الحمدلله اطلاعات بسیار جامع و کامل بیان کردید. جذابیت آنها هم به این بود که تک تک مصادری که نام می‌بردند، مصادر اهل سنت بودند. بسیار زیبا و قابل استفاده بود، خیلی ممنون و متشکریم.

به کرمان می‌رویم، جناب آقای ابراهیمی پشت خط هستند. آقای ابراهیمی صدایتان را می‌شنویم،
بفرمایید:

بیننده (آقای ابراهیمی از کرمان - شیعه):

با عرض سلام خدمت مجری محترم و حضرت آیت الله قزوینی عزیز.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

استاد می‌خواستم سؤال کنم چه دلیلی دارد که خیلی اصرار دارند همسران پیغمبر اکرم را هم جزو
اهلیت بگذارند؟! لطف کنید واضح توضیح دهید.

مجری:

بسیار خوب، ان شاء الله.

بیننده:

قربان شما، خدانگهدار.

مجری:

سلامت باشید، جناب آقای ابراهیمی از تماس شما بسیار تشکر می‌کنیم که از کرمان همراه ما بودید.
جناب آقای هاشمی از کازرون پشت خط هستند. صدایشان را بشنویم و بعد از آن به سراغ پاسخگویی
به سؤالات برویم. آقای هاشمی بفرمایید:

بیننده (آقای هاشمی از کازرون - شیعه):

سلام. سؤالی که داشتم این است تواتر تولد حضرت در بحث کعبه مطلبی بدیهی است و در کتب اهل
سنت هم آمده است.

سؤالی که بنده دارم این است که در خصوص شکافته شدن کعبه هم آیا تواتر یا حدیث صحیحی در منابع
ما یا منابع اهل سنت وجود دارد یا خیر. ممنون می‌شوم استاد بزرگوار پاسخ سؤال را لطف کنند.

مجری:

بسیار خوب، ان شاءالله. خیلی تشکر می‌کنیم از شما جناب آقای هاشمی عزیز که با برنامه خودتان در تماس بودید.

آقا محمد رضا سه سؤال پرسیدند. سؤال اول این بود که آیا اهل بیت ترک اولی هم انجام می‌دادند یا خیر. سؤال دوم راجع به اصل این قضیه بود که ولایت تشریحی چیست و نسبت آن در منظر شیعه به چه کسی برمی‌گردد. ولایت تشریحی دست چه کسی است.

آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) مرتکب ترک اولی می‌شدند!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با سؤال اولشان ما روایات متعدد داریم. در کتاب «عیون أخبار الرضا» جلد 2 صفحه 57 و کتاب «أمالی» اثر «شیخ صدوق» صفحه 586 در رابطه با ائمه اطهار (علیهم السلام) از قول رسول گرامی اسلام آمده است:

«وَهُمُ الْمَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج 2، ص 57، ح 211

آیا ترک اولی خطا هست یا خطا نیست؟! اگر ترک اولی خطا هست که قطعاً چنین است، ائمه اطهار از ترک اولی معصوم هستند. در روایت دیگر آمده است:

«مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ»

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ج 2، ص 910، الحدیث الثانی و الستون

طبق این روایت ائمه اطهار از هرچه بدی باشد معصوم هستند. در کتاب «تفسیر نعمانی» آمده است ائمه اطهار از گناه صغیر و کبیره معصوم هستند، نه سهو می‌کنند، نه فراموش می‌کنند و نه به امور و لهویات دنیوی مشغول می‌شوند.

امیرالمؤمنین در آخر عمر در فرمایشی به «اصبغ بن نباته» به این قضیه اشاره فرمودند. این شخص سؤال کرد شما افضل هستید یا انبیاء؟! امیرالمؤمنین فرمود: گرچه تزکیه نفس زشت است، اما به دلیل اینکه سؤال کردی من باید جواب بدهم.

حضرت فرمود: خداوند عالم حضرت آدم را در بهشت قرار داد و گفت به این درخت گندم نزدیک نشو. حضرت آدم ترک اولی کرد و به درخت نزدیک شد. خداوند عالم گندم را برای من مباح کرده بود، اما تا به حال در عمرم نان گندم نخوردم و با نان جو خودم را سیر کردم.

حضرت موسی از دست قومش فرار کرد، اما من در شب لیلة المبيت با اینکه می‌دانستم قریش به دنبال کشتن رسول گرامی اسلام هستند در جای رسول الله خوابیدم.

حضرت ابراهیم فرمود: به من نشان بده که چطور می‌خواهی مردگان را زنده کنی. از جانب خداوند عالم ندا آمد:

(قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لَّيَطْمَئِنُّ قَلْبِي)

فرمود: "مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: "آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد."

سوره بقره (2): آیه 260

در مقابل من بارها گفتم:

«لَوْ كَشَفَ الْغِطَاءَ مَا ازْدَدْتُ يَقِيناً»

اگر تمام پرده‌ها کنار برود، ذره‌ای به یقینم اضافه نخواهد شد.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی

بیرجندی، حسین، ص 415، ح 7059

این نسبت به فرمایش اول ایشان بود.

دیدگاه علما و بزرگان شیعه، در باب ولایت تشریحی ائمه اطهار (علیهم السلام)

در خصوص ولایت تشریحی مرحوم آیت الله کمپانی که یکی از اساتید و فقهای بزرگ هستند، مطلبی در این زمینه دارند.

ایشان هم فقیه هستند، هم اصولی هستند، هم عارف هستند، در تعلیقه ای که بر کتاب «مکاسب شیخ انصاری» دارند، می‌نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج 2، ص 379، ح 337

مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) هم در این خصوص می‌فرماید:

«لا شبهة فی ولايتهم على المخلوق بأجمعهم»

شبهه‌ای نیست که اهل بیت بر تمام مخلوقات ولایت دارند.

«و هم الواسطة فی إفاضة»

آن بزرگواران واسطه فیض الهی هستند.

«بل لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق»

المکاسب- مصباح الفقاهة، نویسنده: خویی، سید ابو القاسم موسوی، ج 5، ص 35، باب أما
الجهة الأولى أي فی ولايتهم التكوينية

ایشان در جای دیگر می‌نویسد:

«و كونهم اولی بالتصرف فی أموال الناس»

ائمه اطهار اولی هستند در تصرف در اموال و جان مردم.

«و رقابتهم بتطليق زوجتهم و بيع أموالهم»

به طوری که می‌توانند همسر کسی را طلاق بدهند یا اموال کسی را وقف کنند.

«و غير ذلك من التصرفات»

المکاسب- مصباح الفقاهة، نویسنده: خویی، سید ابو القاسم موسوی، ج 5، ص 38، باب الجهة
الثانية فی ولايتهم التشريعية

البته طلاق دادن همسر و دخالت در اموال مردم با توجه به رعایت مصالح، نه بدون مصلحت. ائمه اطهار (علیهم السلام) تشخیص می‌دهند طلاق دادن فلان زن به صلاح جامعه و صلاح اسلام است، حال شخص بخواهد یا نخواهد همسر او را طلاق می‌دهد.

ائمه اطهار متصل به عالم وحی هستند و هرچه دارند از نبی گرامی اسلام دارند. در روایت آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهُ»

سپس می‌فرماید:

«وَفَوْضَ إِلَيْهِ أَمْرَ دِينِهِ»

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، نویسنده: صفار، محمد بن حسن، محقق /
مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج 1، ص 378، ج 3

ائمه اطهار (علیهم السلام) هم می‌فرمایند:

«فَمَا فَوْضَ إِلَيَّ نَبِيَّهُ فَقَدْ فَوْضَ إِلَيْنَا»

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، نویسنده: صفار، محمد بن حسن، محقق /
مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج 1، ص 386، ج 11

این در حقیقت ولایت تشریعی است که بزرگان و مراجع عظام ما در این رابطه مطرح کردند. کاملاً مشخص است آیه شریفه:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

سوره احزاب (33): آیه 6

ما بیش از سی روایت داریم که می‌فرمایند همانطور که پیغمبر اکرم (أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ) بودند، امیرالمؤمنین و ائمه اطهار هم اولویت دارند بر مؤمنین از خود مؤمنین!! ولایت ائمه اطهار به مؤمنین از ولایت خودشان بر خودشان بالاتر است.

مجری:

احسنتم، بسیارخوب. خیلی زیبا و جامع و مستدل در یک قالب هم تمام اختیارات نبی در اختیارشان قرار گرفته است و در بیان دیگر به صورت خاص هم نصوص را ذکر فرمودند.

جناب آقای بهادری هم به زیبایی به مطالبی که راجع به آیه تطهیر آمده است اشاره فرمودند و استفاده کردیم.

جناب آقای ابراهیمی از کرمان پرسیده بودند چرا اهل سنت اصرار دارند تمامی زنان پیامبر را داخل در آیه تطهیر حساب کنند و فضائلی برایشان بشمارند. چه داعیه و انگیزه‌ای پشت این قضیه هست؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همانطور که فرمایشات مقام معظم رهبری را آوردیم، بنی امیه و بنی عباس تمام تلاششان بر این بود معادل چیزی که برای اهلبیت بود را برای دیگران بیاورند. ما در دو جلسه قبل هم عرض کردیم که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«أنا مدينة العلم وعلی بابها فمن أراد المدينة فلیأت الباب»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 137، ح 4637

بنی امیه روایتی معادل این روایت درست کردند و علمای اهل سنت خود گفتند که روایت جعلی است. بنی امیه در این روایت آورده‌اند:

«أنا مدينة العلم وأبو بكر أساسها وعمر حيطانها وعثمان سقفا وعلی بابها»

من شهر علم هستم و ابوبکر اساس آن و عمر دیوار و عثمان سقف و علی در آن شهر است.

تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 9، ص 20، ح 751

همچنین پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 3، ص 3، ح 11012

بنی امیه هم روایتی درست کردند که چنین است:

«أبو بكر وعمر سيدا كهول أهل الجنة»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 1، ص 189، ح 202

بنده به بینندگان عزیز قول دادم یکی دو جلسه در رابطه با احادیث بدل که در زمان بنی امیه و بنی عباس در مقابل با فضائل اهل بیت جعل شده است، صحبت کنم.

قضیه آیه تطهیر هم خالی از این جعلیات نیست. مخالفین می بینند که حضرت صدیقه طاهره و امیرالمؤمنین جزو اهل بیت هستند. این افراد که می بینند راه چاره ای ندارند، ادعا می کنند زنان پیغمبر اکرم هم جزو اهل بیت بودند.

همانطور که حاج آقای بهادری هم عرض کردند، «أم سلمه» جلو آمد و گفت: آیا من هم زیر عبا بیایم؟ پیغمبر اکرم فرمود:

«قال أنتِ على مكانك وأنتِ على خير»

حضرت فرمود: تو انسان خوبی هستی، اما سر جای ت بایست!

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 351، ح 3205

عایشه جلو آمد و گفت: من هم زیر عبا بیایم؟ پیغمبر اکرم فرمود:

«قال: تنحی فإتک إلی خیر»

الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، المؤلف: أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبی، أبو إسحاق (المتوفی: 427 هـ)، تحقيق: الإمام أبی محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظیر

الساعدي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى 1422، هـ - 2002 م، ج 8، ص 43، باب سورة الأحزاب (33): آية 33

«أم سلمه» می گوید:

«فَوَدِدْتُ أَنَّهُ قَالَ نَعْمَ فَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَطَّلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ»

دوست داشتم که حضرت بگویند بله، زیرا اگر بله گفتند از تمام آنچه آفتاب بر او غروب می کند و طلوع می کند با ارزش تر بود.

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان/ بيروت - 1408 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج 2، ص 244

ولی پیغمبر اکرم «نعم» نگفتند. این افراد برخلاف نظر «عایشه» و «أم سلمه» و «أنس بن مالک» و «ابو سعید خدری» و دیگر صحابه می خواهند به زور زنان پیغمبر اکرم را داخل اهلیت محسوب کنند.

این «اول قارورة كسرت فى الإسلام» نیست. پیغمبر اکرم از داخل شدن عایشه و «أم سلمه» زیر کساء خودداری کردند، اما این افراد حاضر نیستند به این اکتفا کنند و می خواهند این افراد را در ردیف امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره قرار دهند.

مجری:

استاد حال که بحث به اینجا رسیده است، بیننده ای هم سؤالی راجع به بحث حدیث کساء پرسیده که حیقم می آید آن را مطرح نکنم.

بیننده پرسیدند که آیا حدیث کساء به این صورت که مشهور است، سند دارد یا ندارد؟! من در اینترنت خواندم که حدیث کساء مشهور، سند صحیح ندارد. آیا همینطور هست یا خیر؟! آیا سند صحیحی برای حدیث کساء پیدا می کنیم؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیت الله میلانی کتابی در رابطه با حدیث کساء مشهور دارند. ایشان حدیث کساء را با سندهای متعدد آورده و ثابت کرده است که حدیث کساء سند درستی دارد. علاوه بر این تمام فقرات حدیث کساء مشهور در کتب اهل سنت آمده است.

این کتاب، کتاب بسیار خوبی است. بنده به دوستان توصیه می‌کنم این کتاب را حتماً بخوانند. ایشان مفصل در این زمینه بحث کردند.

همچنین حدیث «من بلغ» هم برای ما کفایت می‌کند و ما نیازی به سند نداریم. اهل سنت معتقدند روایت در غیر واجبات و محرّمات ضعیف هم باشد، ما به آن عمل می‌کنیم. خود ما هم به حدیث «من بلغ» و تسامح در ادله سنن عمل می‌کنیم.

مجری:

احسنتم، خیلی ممنون. جناب آقای هاشمی سؤال پرسیده بودند که مسلماً تولد امیرالمؤمنین در کعبه اثبات شده است و متواتراً ما چنین روایاتی را دیدیم. حال آیا شکافته شدن کعبه هم تواتر دارد یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تمام کسانی که بحث ولادت امیرالمؤمنین را در کعبه آوردند، بر این عقیده هستند که حضرت فاطمه بنت اُسد مشغول طواف بودند. دیوار کعبه از طرف مخالف در کعبه شکافته شد. رکن یمانی کاملاً مقابل در کعبه است.

وقتی حضرت فاطمه بنت اُسد داخل خانه کعبه شد، مردم هرچه خواستند از این در وارد شوند دیدند که در باز نمی‌شود. مردم تمام تلاش خود را به کار بردند تا در را باز کنند و ببینند قضیه چیست.

حضرت فاطمه بنت اُسد سه شبانه روز در خانه کعبه بودند و این قضیه نقل مجلس تمام مردم شده بود. این مسئله، مسئله کوچکی نیست که ما بخواهیم به سادگی از کنار آن عبور کنیم.

ما اشاره کردیم که آقای «آلوسی» و دیگران با اینکه سلفی العقیده هستند، این قضیه را مطرح می‌کنند و می‌نویسد: دیوار کعبه شکافته شد و حضرت فاطمه بنت اُسد در جوف کعبه قرار گرفت.

این روایات همگی نشانگر این است که این قضیه کاملاً واضح و روشن است. بنده در فرصت مناسب تمام روایاتی که در کتب شیعه و اهل سنت نسبت به این قضیه آمده است را بیان می‌کنم.

مردم تمام تلاش خود را به کار بردند تا در را باز کنند، اما دیدند که در باز نمی‌شود و فهمیدند که این قضیه بسیار غیر طبیعی است.

مجری:

احسنتم، خیلی زیبا فرمودید. مسلم است که این قضیه از لحاظ عقلانی هم برای افراد عجیب است. اگر قضیه‌ای به صورت طبیعی انجام شود، قرار گرفتن فردی که می‌خواهد فرزندی به دنیا بیاورد در یک مکان مقدس که تقدسی بر آن بار هست غیر طبیعی هست.

حتماً برنامه‌ای همانند باز شدن دیوار کعبه صورت گرفته است، والا معمولاً در این حالت باید افراد از مسجد و اماکن مقدس خارج شوند.

حضرت استاد این قضیه را بسیار زیبا تبیین فرمودند. تشکر می‌کنیم از جناب آقای هاشمی که این سؤال را پرسیدند که اتفاقاً هم مرتبط با ایام ماه رجب بود.

بسیار تشکر می‌کنیم از همه شما عزیزان که تا انتهای برنامه همراه ما بودید. حضرت استاد درخواست عزیزان بود که دعا بفرمایید. ان شاءالله در ماه رجب ماه استجاب دعا، دعاهایی که حضرتعالی می‌فرمایید به اجابت برسد. ما با هم آمین می‌گوییم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا به آبروی حضرت محمد و آل محمد و به آبروی حضرت صدیقه طاهره و به آبروی امیرالمؤمنین که این ماه متعلق به آن بزرگوار هست تو را سوگند می‌دهیم فرج مولا و سرور و تاج سر ما هست را نزدیک بگردان. آقایی که در وصفشان آمده است:

«و بِيَمِينِهِ رِزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:
اعلمی، علاءالدین، ص 423، باب دعاء العدیلة الکبیر

خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکاب حضرت بقیة الله الأعظم قرار بده.

خدایا به آبروی اهل بیت نبی گرامی اسلام بالاخص امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما. خدایا به ولایت امیرالمؤمنین و عصمت حضرت فاطمه زهرا حوائج ما و حوائج بینندگان عزیز را برآورده فرما.

خدایا به عصمت حضرت فاطمه زهرا و ولایت امیرالمؤمنین دعاهاى ما و دعاهاى بینندگان عزیز را به درجه اجابت مقرون بفرما. خدایا خیر دنیا و آخرت برای ما مقدر فرما، خدایا شر دنیا و آخرت از ما برطرف ساز.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

خیلی تشکر می‌کنیم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند که این جلسه هم تا انتها همراه ما بودید. ان شاءالله تمامی این دعاها مستجاب شود به برکت صاحبان این ماه حضرت امیرالمؤمنین و رسول گرامی اسلام. تا برنامه‌ای دیگر خدانگهدار